

زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز)

علی گلی*

(تاریخ دریافت ۹۰/۴/۱۱، تاریخ پذیرش ۹۰/۹/۲۸)

چکیده

امنیت به عنوان نیازی اساسی، در اجتماعات انسانی از جایگاه خاصی برخوردار است. برنامه‌ریزان و طراحان فضاهای اجتماعی، به ویژه شهرها، تلاش می‌کنند تا با شناسایی عوامل تهدیدکننده امنیت به‌ویژه در فضاهای عمومی، امنیت را برای استفاده‌کنندگان از آن فضاها فراهم کنند. زنان نیز در مقام نیمی از اجتماعات انسانی، به واسطه خصوصیات بیولوژیک، مسئولیت‌ها و نگاه متفاوت در مقایسه با مردان، ارتباط متمایزی با فضا برقرار می‌کنند. آنان نیازمند تسهیلات خاصی از فضا هستند تا موجب افزایش اطمینان خاطر آنان از حضور امن در فضاهای شهری و به‌ویژه فضاهای عمومی مانند پارک شود.

بر اساس نتایج تحقیقات مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در کلان‌شهرهای کشور، بخش زیادی از پاسخ‌گویان حضور زنان را به‌صورت تنها در فضاهای عمومی این شهرها و به‌ویژه در ساعات‌های خلوت بسیار خطرناک بیان کرده‌اند. این پژوهش به سنجش میزان احساس امنیت زنان در پارک آزادی کلان‌شهر شیراز، به‌عنوان فضایی عمومی، پرداخته است. مطالعه حاضر در

قالب بررسی پیمایشی است و از نظر زمانی، مقطعی (بهار ۱۳۸۹). جامعه آماری پژوهش، زنان بالای پانزده سالی است که در زمان پژوهش به تنهایی در پارک آزادی حضور داشتند. بر مبنای فرمول کوکران، حجم نمونه ۱۹۵ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای در سطح پارک انجام شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عوامل محیطی مانند کاربری اراضی، تنوع کاربری‌های پیرامون و ساعت‌های فعالیت آن‌ها و نیز مجاورت‌های مکانی کاربری‌ها، با افزایش حس امنیت زنان پاسخ‌گو رابطه معناداری دارد. عوامل شخصی مانند سن، تحصیلات، اشتغال و مهاجرت تأثیر معناداری بر میزان احساس امنیت زنان نداشته است.

واژه‌های کلیدی: فضای شهری، فضای عمومی، کاربری اراضی، امنیت زنان، پارک آزادی شیراز.

۱. مقدمه

فضای شهری بستر زندگی و فعالیت شهروندان است و با توجه به ویژگی‌های افراد و گروه‌های سنی، اجتماعی و جنسی، باید بتواند محیط امن، سالم، پایدار و جذابی فراهم کند و به شیوه مناسبی به نیازهای مختلف تمام گروه‌های اجتماعی پاسخ دهد. فضای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی برقرار می‌کند و در نتیجه، در هویت‌بخشی و دادن احساس آرامش به شهروندان نقش بسزایی دارد. تحولات دهه‌های اخیر سبب شده است تا امکانات جدید شهرهای امروز مانند گذشته قادر به تأمین آرامش و امنیت شهروندان نباشد. شهرها به دلیل تمرکز بالای جمعیت و فعالیت‌های خارج از مقیاس انسانی و فراوانی ماشین، از شاخص‌های آرامش و امنیت فضای شهری کم‌کم فاصله گرفته‌اند.

عواملی که موجب تهدید، کاهش یا حذف امنیت در شهرها می‌شوند، بی‌شمارند و برخی فضاهای شهری ظرفیت بالایی در تهدید امنیت شهرها دارند. به دلیل ازدحام و وسعت، فضاهای عمومی در تجاوز به فضای شخصی افراد و نقض امنیت آن‌ها، همواره آمار بالایی دارند.

زنان نیمی از جمعیت ساکن شهرها هستند و روند روزافزون حضور آنان در محیط‌های کار و فعالیت اجتماعی شهری سبب می‌شود تا در مکان‌یابی و طراحی و ساخت کالبد شهر،

حضور گسترده این قشر در فضاها و عرصه‌های مختلف سکونت، کار، حمل و نقل و... مورد توجه قرار گیرد.

در عصر حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند. با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ می‌بازد و بر میزان جرم افزوده می‌شود؛ مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان دوچندان می‌شود و در نتیجه، احساس ناامنی می‌کنند. امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه‌ای موظف است در زمینه‌های شخصی، اقتصادی، سیاسی و قضایی آن را برای جامعه و اعضای آن فراهم کند. امنیت نداشتن زنان در فضاهای شهری، مشارکت کامل آنان را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد (Day, Stump & Carren, 2003: 311).

امنیت اجتماعی با فضا و ساخت و ساز شهری ارتباط معناداری دارد. برنامه‌ریزان و طراحان شهری معتقدند شهرها برای اینکه ایمن باشند باید برای همه گروه‌های سنی و جنسی ساخته شوند و در ساخت آن‌ها تفاوت‌های سنی و جنسیتی مورد توجه قرار گیرد. درحالی که جامعه ما روزبه‌روز بیش از گذشته شهری می‌شود، باید با تأکید بر جمعیت، سن و طبقه، به نیازهای ملموس و محسوس شهروندان نیز توجه کرد (Tabrizia & Madanipour, 2006: 935).

طی دهه‌های اخیر، جامعه شهری رشد چشمگیری داشته است؛ بنابراین امنیت یکی از شاخصه‌های کیفی زندگی به‌شمار می‌آید. کلان‌شهرها به دلیل تراکم بالای جمعیت، تحولات اجتماعی و اقتصادی زیادی دارند. این تحولات سبب شده تا مفاهیمی مانند امنیت اقتصادی (بیکاری فزاینده و شغل‌های کاذب) ذهنیت ناامنی در جامعه به‌ویژه ناامنی در خیابان‌ها و فضاهای عمومی، آسیب‌پذیری مسکن‌ها و سایر تهدیدها درباره سلامت شهروندان را افزایش دهد (احمدی و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

تحقیقات انجام‌شده در سطح کشور نشان می‌دهد احساس ناامنی در میان زنان، در کلان‌شهرها بیش از شهرهای میانی و کوچک است. در شیراز- یکی از کلان‌شهرهای ایران- احساس امنیت زنان به‌ویژه در فضاهای عمومی، مسئله‌ای است که به بررسی و پژوهش نیاز دارد. پارک آزادی شهر شیراز فضایی عمومی با کارکرد فرامنطقه‌ای در سطح شهر است. در این تحقیق به بررسی میزان احساس امنیت در بین زنان استفاده‌کننده از این پارک می‌پردازیم. در

ادامه، پس از بررسی پیشینه تحقیق، به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، داده‌های گردآوری‌شده را تحلیل می‌کنیم.

۲. مبانی نظری

انسان موجود پیچیده‌ای است که دارای انگیزش‌های مادی، معنوی و روحی گوناگونی است. انگیزش، نیروی هدایت‌کننده و سازمان‌دهنده ادراک و شناخت و رفتار هدفمند آدمی است. با تکامل انگیزش، رفتارها برای ارضای نیازها وارد عمل می‌شوند. از این‌رو، در طراحی و برنامه‌ریزی محیطی، شناخت نیازهای انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

فضای شهری مناسب تاحد زیادی تأمین‌کننده امنیت به عنوان نیاز اساسی انسان است و فضای شهری نامناسب از بین‌برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی‌دفاع، محله‌های ناامن، کانون‌های پرتراکم با نظارت کم و مکان‌هایی با کاربری‌های خاص از عوامل تهدیدکننده امنیت شهری و اجتماعی هستند.

مطالعات متعدد انجام‌شده درباره امنیت در فضای عمومی و به ویژه در شهرها نشان‌دهنده اهمیت امنیت به عنوان شاخص کیفی زندگی در شهرهاست و نیز اینکه آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای تهدید یا تضعیف امنیت به‌شمار می‌رود. در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان نظریات مطرح در این زمینه را به دو گروه تقسیم کرد: ۱. رویکردهای مبتنی بر ارزش‌ها که دربرگیرنده ارزش‌های عینی و ذهنی است؛ ۲. رویکردهای مبتنی بر تأثیر محیط فیزیکی و فضا بر امنیت.

۲-۱. رویکردهای مبتنی بر ارزش

این رویکردها در قالب دو گروه کلی، بر ارزش‌های عینی و ذهنی در احساس امنیت در جامعه تأکید دارند:

۲-۱-۱. رویکردهای مبتنی بر ارزش‌های عینی: بر اساس این رویکرد، امنیت برابند وضعیتی است که توسط قدرت یا دولت برای پاسداری از مردم در برابر تهدیدهای بیرونی ایجاد می‌شود. در این رویکرد، دولت با دو روش مستقیم (پلیس و ساختارهای امنیتی جامعه)

و غیرمستقیم (خانواده و آموزش و پرورش) امنیت را در جامعه به وجود می آورد (احمدی و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

۲-۱-۲. رویکردهای مبتنی بر ارزش های ذهنی: بر اساس این رویکرد، تهدیدها اغلب علیه ارزش ها و هویت های گروه های اجتماعی است؛ در نتیجه امنیت در جامعه زمانی حاصل می شود که گروه ها و خرده فرهنگ ها بتوانند در تعامل با یکدیگر، خواسته ها و ارزش های خود را به راحتی مطرح کنند. در این رویکرد، امنیت اجتماعی یک گروه خاص درون جامعه (مانند زنان) با سطح کلان پیوند دارد. بنابراین، امنیت اجتماعی زمانی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی هویت افراد را در جامعه تهدید کند. این دیدگاه اعتقاد دارد رفتارهای انحرافی نتیجه فشارهایی است که بعضی از مردم را به کج روی و بروز ناامنی وادار می کند. تأثیر شرایط محیطی بر ابعاد امنیت اجتماعی یعنی امنیت جانی، مالی و... یکسان و یک جهت نیست. در این زمینه، مرتون استدلال می کند که ساکنان مناطق محروم اغلب به دلیل نوع تربیت، یادگیری و تجربه زیاد ناکامی، رفتارهای خشونت آمیز بیشتری از خود نشان می دهند (بدار و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۷۲)؛ به همین دلیل در معرض زدوخورد و درگیری بیشتری هستند و با خطرها و آسیب های جانی بیشتری روبه رویند (ستوده، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۷).

افراد بزهکار اغلب ساکن مناطق محروم هستند؛ لذا میزان رفتارهای ناهنجار آشکار بزهکاران که مخل امنیت افراد منطقه آن ها گردد، مانند مزاحمت، ترساندن و غیره بیشتر دیده می شود. به همین دلیل، مناطق را می توان بر حسب وجود یا عدم چنین شبکه های بزهکاری و نوع رفتارهای اهالی، از جهت برخورداری از امنیت جانی ساکنان منطقه دسته بندی نمود (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۰-۹۱).

پس می توان استدلال کرد که با تغییر مکان از مناطق محروم به سوی مناطق مرفه با تنوع فرهنگی کمتر، تأمین امنیت جانی ساکنان منطقه بیشتر امکان پذیر می شود.

۲-۲. رویکردهای مبتنی بر تأثیر محیط فیزیکی و فضا بر امنیت

بر اساس این رویکردها، فضاها بر رفتار افراد تأثیر می گذارند و می توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفته شوند. این نظریه ها بر شرایط کالبدی و فیزیکی و به طور کلی ویژگی های فضا، محیط و مکان توجه دارند و مفاهیمی مانند فضای عمومی و خصوصی و یا طراحی محیطی را

مدنظر قرار می‌دهند. در این نظریات، اعتقاد بر این است که بین محل سکونت و احساس ناامنی رابطه وجود دارد و نشانه‌هایی حاکی از انحطاط کالبدی محل سکونت و ضعف نظارت‌های اجتماعی، احساس ناامنی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۴). درباره تأثیر محیط فیزیکی و فضا بر امنیت، نظریات بی‌شماری مطرح شده است. بر اساس این نظریات، فضاهای بدون دفاع شهری و فضاهایی که قابلیت بیشتری برای وقوع جرم دارند، موجب کاهش امنیت اجتماعی به‌ویژه امنیت اجتماعی زنان می‌شوند (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۸۸). از پیش‌گامان این رویکرد می‌توان به وود^۱ اشاره کرد. ویژگی‌های ساختاری مربوط به گسترش ساخت منازل عمومی و قطع ارتباط میان ساکنان، باعث کم‌رنگ شدن کنترل اجتماعی غیررسمی و در نتیجه افزایش جرم می‌شود (احمدی و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

جان جیکوبز نیز از دیگر نظریه‌پردازان شهرسازی است که در تبیین امنیت شهری، به تعامل فضای فیزیکی و فرایندهای اجتماعی‌ای که محیط را می‌سازند و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد محیطی امن و موفق، توجه و تأکید دارد (رفعیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۱). جیکوبز می‌گوید آرامش فضای شهری ابتدا به وسیله پلیس تأمین نمی‌شود؛ ولی با حضور پلیس ضروری می‌شود. آرامش فضای شهری ابتدا به وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. او در مورد خودانتظامی بودن یک خیابان چنین توضیح می‌دهد:

می‌بایست چشم‌هایی همواره خیابان را بنگرند؛ چشم‌های کسانی که ما آن‌ها را مالکین طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم و... پیاده‌روهای خیابان می‌باید به صورت مداوم مورد استفاده قرار گیرد تا بر نگاه‌های مؤثر بر خیابان افزوده گردد و به مردم ساکن در خیابان، نگرستن به خیابان آموزش داده شود (Jacobs, 1961: 15).

بنابراین، او بر نظارت فعال و ضرورت تعریف عرصه‌های عمومی و خصوصی تأکید می‌کند. بدین ترتیب، با استفاده از مشارکت عمومی می‌توان از وقوع «درام بربریت» جلوگیری کرد؛ ولی این امر نباید مانع عبور غریبه‌ها از فضا شود (Ibid). به عقیده جیکوبز، بیشتر رفتارهایی که موجب خشم، ترس و ناراحتی مردم در فضاهای شهری می‌شود و مردم را از استفاده فضاهای عمومی منصرف می‌کند، به لحاظ قانونی، جرم نیستند و می‌توان آن‌ها را رفتارهای غیرمدنی و یا- آن‌گونه که جیکوبز می‌گوید- «بربریت خیابانی»^۲ نامید. او در زمینه کنترل فضا،

به متمایز کردن آشکار عرصه عمومی و خصوصی اشاره می کند و درباره نظارت می گوید: «نیاز به چشم هایی نظاره گر، از سوی صاحبان طبیعی، هم ساکنان و هم استفاده کنندگان که می توانند با استفاده از تنوع فعالیت ها و عملکردهایی که مردم را جذب می کند تقویت گردد.» (مدیری ۱۳۸۵: ۱۵-۱۶).

در اوایل دهه ۱۹۷۰م، اسکار نیومن به برخی از عوامل فیزیکی مؤثر بر ایجاد ترس از محیط یا وقوع جرم پرداخت. او بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه ها تأکید کرد و با ارائه نظریه «فضای قابل دفاع»، عواملی مانند ایجاد قلمرو مناسب، احساس تعلق به مکان، امکان وجود نظارت و بهبود شرایط فیزیکی را از راهکارهای کاهش ترس دانست. نیومن سه عامل افزایش جرم در محله های مسکونی را چنین برشمرد:

۱. بیگانگی: مردم همسایگان شان را نمی شناسند.
۲. نبود نظارت: مکان های وقوع جرم، ارتکاب جرم را بدون آنکه مجرم دیده شود، به راحتی ممکن می کند.

۳. در دسترس بودن راه فرار: امکان گریز مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می کند. بنابراین، نیومن معتقد است با استفاده از سازوکارهای نمادین شکل دادن به عرصه های تعریف شده، می توان محیط را به کنترل ساکنانش درآورد. نیومن درباره کنترل فضا می گوید محیط کالبدی باید دارای خصوصیات مشابه مکانیزم های نمادین، مرزها و سلسله مراتبی تعریف شده از عرصه های خصوصی تا عمومی باشد تا پهنه های مختلف درک شود. او درباره نظارت هم می گوید باید فضای کالبدی نظارتی در فضا ایجاد کند تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن شود. نظریه پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیطی بر مبنای تغییر در محیط فیزیکی در سال ۱۹۶۰م مطرح شد. کاهش رفتارهای مجرمانه با استفاده از طراحی محیطی، رویکرد اصلی این نظریه است. به عبارتی، ایجاد محیط ایمن به وسیله طراحی با عملکرد پلیس هماهنگ می شود. در این رویکرد سیستمی، سلسله مراتبی از فضاهای به هم پیوسته و کوچه های بن بست به کار گرفته می شود که راه فرار را بر مجرمان می بندد. به این ترتیب، در عین حال که دسترسی عمومی را ممکن می کند، از تمایل غریبه ها به حضور در فضا می کاهد و به نوعی مانند محدوده ای بسته عمل می کند (همان، ۱۶).

هیلر از رویکرد دفاعی فوق انتقاد می‌کند؛ به دلیل اینکه مانع حرکت طبیعی مردم می‌شود و برای غریبه‌ها چه صلح‌آمیز و چه خصم‌آمیز محدودیت دسترسی قائل می‌شود. هیلر معتقد است حضور مردم چه غریبه و چه آشنا احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقا داده و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. لذا وی به دنبال خصوصیات شکلی فضا است که حضور مردم و به تبع آن احساس امنیت را افزایش می‌دهد (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۴).

جمع‌بندی این نظریات نشان می‌دهد امنیت ثمره رابطه فرد با اجتماع و انطباق با هنجارهای همگانی است که افراد، به عنوان یک نیاز اساسی، در عرصه‌های عمومی و خصوصی خواهان برخورداری از آن هستند. میزان حضور و استفاده از فضاهای عمومی در جامعه متأثر از نحوه نظارت بر محدوده‌های جغرافیایی و ویژگی‌های محیطی آن است. به عبارتی، حضور تعداد مشخصی از مردم در فضای عمومی به همراه سایر ویژگی‌های کالبدی فضا مانند نوع کاربری و دسترسی به شبکه‌های دسترسی می‌تواند در ارتقای احساس امنیت و افزایش مراجعات افراد نقش داشته باشد (Garcia-Ramon, Ortiz & Prats, 2004: 216).

۳. مروری بر تحقیقات پیشین

تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که متغیرهای فیزیکی در افزایش یا کاهش فرصت‌های وقوع جرم‌های شهری نقش مهمی دارند. جیکوبز بر اهمیت تخصیص فضاهای عمومی به الگو و قابلیت حرکت و حضور مردم در فضاهای شهری تأکید دارد و می‌گوید مردم تمایل دارند از طریق فضاهایی با سایر افراد ارتباط برقرار کنند و از فضاهای متروک دوری کنند (Jacobs, 1961: 15).

مطالعات نیومن درباره رابطه مکان وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک، در کتاب *مردم و طراحی در شهر پرخشونت* در دهه ۱۹۷۰م، از نخستین پژوهش‌هایی است که درباره تغییر ساختار محیط شهری پیشنهادهایی می‌دهد. در طرح نیومن، امنیت اجتماعی در جامعه نه به دست پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌های خاصی سهیم‌اند تعریف می‌شود (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

هیلر (۱۹۸۸) بر افزایش امنیت از طریق افزایش تحرک و جنبش در فضاهای شهری تأکید دارد. بنابراین، مکان‌هایی که برای جنبش و حرکت ظرفیت کمتری دارند، مستعد وقوع جرم هستند. همچنین، با بزرگ‌تر شدن فضا، افزایش حضور مردم و ایجاد الگوهای حرکتی توسط فضاهای خصوصی‌شده با مردمی که در آن حضور دارند، امنیت استفاده‌کنندگان از فضا افزایش خواهد یافت (Brenda et al., 1997: 276).

باساوا (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای در شهر پورتوآلگرو، به بررسی رابطه بین سطوح خرد و کاربری‌های حاشیه‌ای و فاقد تحرک و جنبش پرداخت و به این نتیجه رسید که جرم‌ها در سطوح جامع شهر کم‌رنگ‌تر و محدودتر از سطوح حاشیه‌ای است (Reis et al., 2003). در تحقیق دیاس^۳ و همکاران (۲۰۰۷) در برزیل، نقش آرایش فضایی در ایجاد رفتارهای خاص استفاده‌کنندگان بررسی شد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد عوامل اجتماعی و فضایی با توجه به اثری که بر اجزای محیطی و شناخت فضایی محیط‌های باز شهری دارند، بر کمبود امنیت و افزایش جرم تأثیرگذارند.

زنجانی‌زاده (۱۳۸۰) در بررسی امنیت زنان در کلان‌شهر مشهد، تأثیر ویژگی‌هایی مانند وضعیت تأهل، میزان اقتدار زن در خانواده، اشتغال زنان و محل سکونت را بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سنجیده و به این نتیجه رسیده است که اقتدار زن در خانواده، اشتغال زنان و محل سکونت با میزان احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری دارد.

اسماعیلی (۱۳۸۵) در مطالعه دیگری در شهر مشهد، تأثیر ویژگی‌هایی مانند سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، نوع شغل، میزان خروج زن از خانه، نگرش به حجاب، درآمد خانواده، نگرش به عملکرد قانون، وسیله نقلیه مورد استفاده و محل سکونت را بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان بررسی کرده است. از دستاوردهای پژوهش او این است که به‌استثنای وضعیت تأهل، سایر متغیرهای مورد استفاده با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری دارند. همچنین بر اساس نظر پاسخ‌گویان تحقیق، میزان طراحی شهری در تأمین امنیت زنان در حد نامطلوبی است و نیازمند توجه است.

مدیری (۱۳۸۵) در تحقیق خود به تأثیر وقوع جرم و خشونت در کاهش احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری پرداخته است. او نشان داده نقش جرم در کاهش احساس امنیت بیش از خشونت است.

نتایج مطالعه علیخواه و نجیبی (۱۳۸۵) درباره وضعیت ترس زنان از جرم در فضاهای شهری در مناطق ۲۲گانه شهر تهران، نشان می‌دهد حدود نیمی از زنان پاسخ‌گو هنگام رفت‌وآمد در فضاهای عمومی شهری احساس امنیت ندارند. این میزان در بین زنان با تحصیلات و درآمد کم و نیز زنان ساکن در محلات دارای زمین و ساختمان‌های متروک بیشتر است.

بهرام بیات (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان *تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی*، تأکید کرده است که عوامل فردی و خانوادگی، میزان جرم، سرمایه اجتماعی و فضای شهری بر احساس ناامنی مؤثر هستند.

بمانیان و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان «سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری در محدوده پیرامون پارک شهر تهران» بیان کرده‌اند که بین احساس امنیت درک‌شده از فضا و میزان رفت‌وآمد و استفاده از آن رابطه مستقیمی هست. در بررسی رابطه بین نوع کاربری و میزان احساس امنیت، بالاترین میزان احساس مربوط به کاربری‌های مسکونی پیرامون پارک شهر است. برای مثال، زنان از کاربری‌هایی با غلبه مراجعه مردان (تولیدی‌ها و لباس‌فروشی‌های مردانه) کمتر استفاده می‌کنند.

پورجعفر و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تأکید بر رویکرد C.P.T.E.D» نشان داده‌اند گسترش روزافزون جرم در ساختار کالبدی شهری از یک‌سو و بی‌توجهی معماران و شهرسازان به اصول جلوگیری از جرم‌های محیطی از سوی دیگر موجب شده است با رویکرد جدیدی، امکان اجرای اصول C.P.T.E.D در طراحی ساختمان یا ساختار شهری فراهم شود. رعایت این اصول می‌تواند احساس امنیت شهروندان را افزایش دهد و یکی از راه‌های افزایش رفاه اجتماعی در شهر باشد. در کنار راهکارهای اجرایی در طراحی شهری و معماری، باید به نکاتی نیز توجه کرد که به‌کارگرفتن آن‌ها ضمن کاهش ظرفیت‌های جرم‌خیزی مناطق، امکان سامان‌دهی و شکل‌گیری شهری ایمن را نیز فراهم می‌آورد: الف. تقویت قلمروهای طبیعی؛ ب. کنترل دسترسی؛ پ. نظارت طبیعی؛ ت. حمایت از فعالیت‌های اجتماعی؛ ث. تعمیر و نگهداری زیرساخت‌های شهری (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۹-۸۱).

رفیعیان و خدایی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای اسنادی به بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری پرداخته‌اند. نتایج بررسی آن‌ها نشان می‌دهد سه

متغیر دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی از مؤثرترین عوامل در رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری و افزایش احساس امنیت آنان در این فضاهاست. بر اساس تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان گفت در مجموع، برخی فضاهای شهری ناامنی را به افراد و گروه‌های خاص به‌ویژه زنان القا می‌کنند. نوع فضاهای عمومی، کاربری‌های مجاور، تراکم جمعیت در ساعات‌های مختلف، وضعیت زمین‌ها و ساختمان‌ها در قالب عوامل محیطی در ترکیب با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در بروز میزان احساس امنیت متفاوت در بین زنان مؤثر است. به‌طور کلی، زنان در مقایسه با مردان، در فضاهای عمومی احساس ناامنی بیشتری دارند.

۴. فرضیه‌های تحقیق

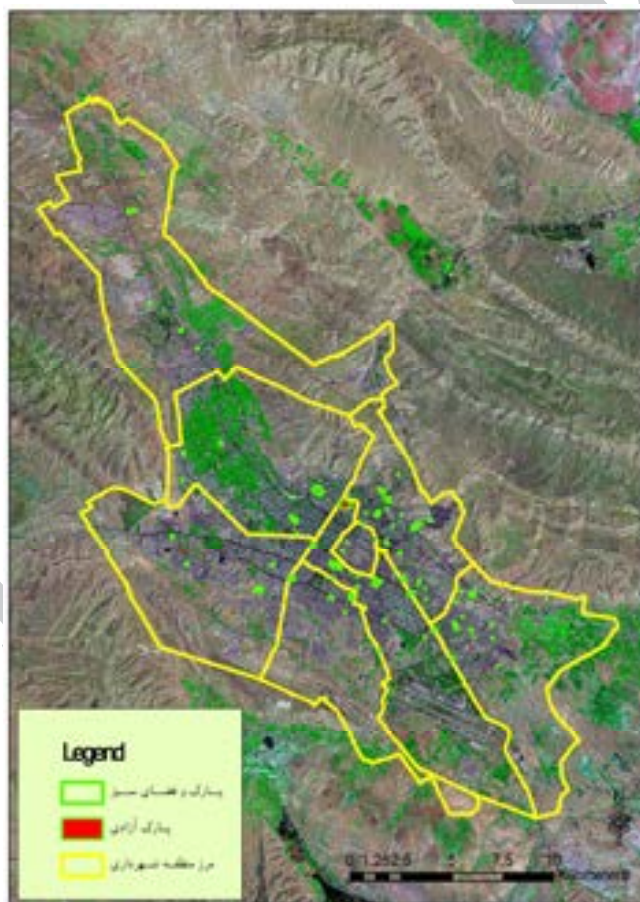
۱. میزان احساس امنیت زنان در فضای عمومی شهر متأثر از ویژگی‌های شخصی (سن، مذهب، تحصیلات، مهاجرت و وضعیت اشتغال) آنان است.
۲. ویژگی‌های کالبدی و کاربری‌های مجاور فضای عمومی شهر بر میزان احساس امنیت زنان تأثیرگذار است.
۳. میزان احساس امنیت زنان متأثر از نحوه دسترسی (مجاورت مکانی) آن‌ها با فضاهای عمومی شهر است.

۵. روش تحقیق

این پژوهش در قالب مطالعه‌ای کاربردی به بررسی مقطعی و تبیینی میزان احساس امنیت زنان در پارک آزادی شهر شیراز پرداخته است. پارک آزادی بزرگ‌ترین پارک این شهر است که به دلیل قرارگیری در مرکز شهر، به صورت گسترده مورد بازدید گردشگران و گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد. روش اصلی گردآوری داده‌ها، پیمایش میدانی بوده است که با استفاده از ابزار پرسش‌نامه، داده‌های مورد نیاز در دوره‌های مختلف زمانی بهار ۱۳۸۹ گردآوری شد. پرسش‌نامه با توجه به سؤالات تحقیق - که نیازمند داده‌های متنوعی از پاسخ‌گویان بود- با استفاده از گزینه‌های رایج مطالعات آماری و محیطی طراحی شد. برای سنجش روایی نیز از

ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب حاصل برای تمام سؤالات بزرگ‌تر از ۰/۷۱۶ است که بیانگر روایی قابل قبول پرسش‌نامه است (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

جامعه آماری پژوهش، زنان بالای پانزده سال ساکن در بلوک سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ پارک آزادی (شکل ۱) هستند که به‌تنهایی توانایی حضور در پارک و استفاده از امکانات آن را دارند (۴۸۰ زن بالای ۱۵ سال ساکن در بلوک سرشماری پارک آزادی). بر اساس فرمول کوکران، تعداد حجم نمونه آماری ۱۹۵ مورد به‌دست آمد. برای جمع‌آوری اطلاعات، ۲۰۰ پرسش‌نامه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف پارک در بین زنان حاضر در آنجا توزیع و تکمیل شد.



شکل ۱ موقعیت پارک آزادی در شهر شیراز

۶. یافته‌های تحقیق

۶-۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری مورد استفاده در جدول شماره یک بیان شده است.

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری مورد مطالعه

متغیر	بعد	تعداد	درصد
سن	کمتر از ۲۴	۱۳۲	۶۶
	۲۵-۳۹	۵۷	۲۸/۵
	بیش از ۴۰ سال	۱۱	۵/۵
تأهل	متأهل	۶۴	۳۲
	مجرد	۱۳۵	۶۸
تحصیلات	ابتدایی	۴	۲
	راهنمایی	۲۶	۱۳
	متوسطه	۹۹	۴۹/۵
	کاردانی	۲۰	۱۰
	کارشناسی	۴۸	۲۴
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۳	۱/۵
اشتغال	شاغل	۳۸	۱۹
	خانه‌دار	۵۰	۲۵/۵
	دانش‌آموز و دانشجوی	۹۳	۴۶/۵
	بیکار	۱۶	۹/۵
سابقه سکونت در شیراز	کمتر از ۱ سال	۱۱	۵/۵
	۱ تا ۱۵ سال	۳۱	۱۶
	بیش از ۱۵ سال	۴۲	۲۰/۵
	بومی شیراز	۱۱۶	۵۸

میزان احساس امنیت نمونه آماری این پژوهش، در یک طیف پنج‌وجهی، ۲,۲۵ بوده است که از نمره متوسط (۲,۵) کمتر است. بر اساس نتایج، میزان احساس امنیت در ۴۲ درصد پاسخ‌گویان کم، ۵۶ درصد متوسط و فقط در ۲ درصد پاسخ‌گویان زیاد بوده است.

۲-۶. سنجش رابطه ویژگی‌های شخصی و احساس امنیت زنان

به‌منظور بررسی رابطه ویژگی‌های شخصی و احساس امنیت زنان، از بین عوامل شخصی (سن، مذهب، تحصیلات، مهاجرت و وضعیت اشتغال)، عامل مذهب به دلیل عدم تنوع در داده‌های گردآوری‌شده حذف شد و سایر عوامل مورد استفاده قرار گرفت. بیش از ۵۳ درصد پاسخ‌دهندگان، پارک آزادی را محل ناامنی معرفی کردند. بررسی ویژگی‌های سنی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد این احساس با متغیر سن دارای رابطه معنادار آماری است. تفاوت محل سکونت پاسخ‌دهندگان- که از مناطق مختلف شهر بودند- سبب شده است باوجود تأثیرپذیری احساس امنیت از افزایش سن (نبود رابطه معنادار آماری)، این موضوع در میان ساکنان مجاور پارک، کم‌اهمیت‌تر از جمعیت مراجعه‌کننده از سایر مناطق به‌ویژه مناطق غیرمجاور باشد. درواقع، نزدیکی محل سکونت برخی از پاسخ‌دهندگان به پارک آزادی سبب شده است پارک به‌عنوان قلمرو ثانویه این گروه به‌شمار آید و به دلیل آشنایی با ویژگی‌های پهنه‌های مختلف سطح پارک و استقرار در آن باآگاهی قبلی، از احساس امنیت بالاتری برخوردار باشند (جدول ۲).

جدول ۲ رابطه بین متغیر سن و میزان احساس امنیت زنان

متغیر مستقل	ضریب	Value	Std	T	Sig
سن (کل پاسخ‌گویان)	Spearman Correlation	۰,۰۹۱	۰,۰۷۴	۱,۲۸۷	۰,۰۰۲
سن (ساکن در محلات مجاور پارک)	Spearman Correlation	۰,۱۵۳	۰,۱۹۳	۰,۷۵۶	۰,۴۵۷
سن (ساکن در سایر مناطق شهر)	Spearman Correlation	۰,۰۸۶	۰,۰۸۰	۱,۱۳۲	۰,۲۵۹

تأثیر سطح تحصیلات بر میزان احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی، بخش دوم از سؤال «عوامل شخصی مؤثر بر احساس امنیت زنان» است. داده‌های پیمایش میدانی نشان می‌دهد بین افزایش احساس امنیت زنان در پارک و افزایش سطح تحصیلات، ارتباط معنادار آماری وجود ندارد (جدول ۳). از دیدگاه ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان با تحصیلات مختلف، زنان در پارک آزادی با احساس ناامنی روبه‌رویند. بسیاری از زنان مصاحبه‌شونده با تحصیلات مختلف اذعان داشتند که در ساعت‌های مختلف روز به‌ویژه در فصل‌های تراکم گردشگران در شهر- که بازدیدکنندگان از پارک به عنوان فضای اسکان استفاده می‌کنند- کمتر در پارک حضور می‌یابند. همچنین اغلب ترجیح می‌دهند در زمان تاریکی هوا به همراه اعضای خانواده یا دوستان در پارک حضور یابند.

جدول ۳ رابطه بین متغیر سطح تحصیلات و میزان احساس امنیت زنان

Sig	df	Std	Value	ضریب	متغیر مستقل
۰,۶۹۷	۱۵	۰,۰۱۴	۱۱,۷۶۱	Chi-Square	سطح تحصیلات

در بررسی رابطه بین مدت سکونت پاسخ‌گویان در شهر و وضعیت اشتغال آنان با میزان رضایتمندی آن‌ها از امنیت، مشخص شد افراد بومی و کسانی که سابقه سکونتشان بیش از پانزده سال است، در مقایسه با پاسخ‌گویانی که کمتر از پانزده سال سابقه سکونت دارند، از احساس امنیت کمتری برخوردارند. اگرچه از نظر آماری، رابطه به‌دست آمده در سطح اطمینان قابل قبولی مورد تأیید قرار نگرفت (جدول ۴)، نوع هم‌بستگی متغیرهای مورد استفاده نشان‌دهنده نتیجه است. اگرچه از نظر آماری، اشتغال یا بیکاری افراد هم‌بستگی معناداری ندارند، ضریب به‌دست آمده بیانگر افزایش نامحسوس احساس امنیت در بین افراد شاغل است.

جدول ۴ رابطه بین متغیر مدت اقامت در شهر شیراز و اشتغال و میزان احساس امنیت زنان

Sig	Correlation Coefficient	ضریب	متغیر مستقل
۰/۴۷۱	-۰/۰۵۱	Spearman Correlation	مدت اقامت
۰/۵۵۴	۰/۰۴۶	Spearman Correlation	وضعیت اشتغال

از بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصی پاسخ‌گویان آشکار شد که افزایش احساس امنیت زنان از عواملی مانند سن، سطح تحصیلات و اشتغال متأثر نیست. در سایر تحقیقات داخلی، از جمله پژوهش‌های علیخواه و نجیبی، صادقی فسایی و میرحسینی، و مدیری نیز نتایج مشابهی به دست آمده است و بیشتر پاسخ‌دهندگان احساس امنیت خود را در پارک آزادی، کمتر از میانگین مورد انتظار اظهار کرده‌اند.

۳-۶. سنجش رابطه ویژگی‌های کالبدی و کاربری‌های شهری و احساس امنیت زنان

مطالعات انجام‌شده در زمینه مفهوم قلمرو در اجتماعات انسانی نشان می‌دهد برخی از فضاها عمومی که توسط افراد خاصی در زمان مشخصی صورت می‌گیرد، سبب شکل‌گیری قلمرو ثانویه افراد در فضاها عمومی می‌شود (آلمن، ۱۳۸۷: ۱۴۲). این موضوع به ویژه در پارک‌ها و فضاها عمومی از شدت بیشتری برخوردار است؛ به ویژه در بخش‌هایی از پارک که حالت نیمه عمومی دارد و محصور و دارای دسترسی محدودتری است. از دیدگاه طراحان محیطی، به این گونه فضاها، فضای غیرقابل دفاع می‌گویند. همچنین کاربری‌های مختلف در پیرامون پارک‌ها از دیگر عواملی هستند که بر رضایتمندی کاربران تأثیر مستقیمی دارند (جدول ۵). در پارک آزادی شیراز به دلیل برخورداری از فضاها متعدد غیرقابل دفاع در پیرامون و داخل و نیز تنوع کاربری‌های مختلف در اطراف (شکل ۲)، به سادگی می‌توان قلمروهای ثانویه افراد را در ساعت‌های مختلف مشاهده کرد. نتایج پرسش‌نامه نیز گویای این است احساس امنیت پاسخ‌گویان در نقاط مختلف پارک متفاوت است؛ به عبارت دیگر بین ویژگی‌های کالبدی داخل پارک و کاربری‌های درون و پیرامون پارک و احساس امنیت زنان رابطه معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۵ رابطه بین متغیر ویژگی‌های کالبدی و کاربری‌های شهری و میزان احساس امنیت زنان

متغیر مستقل	ضریب	Correlation Coefficient	Sig
ویژگی‌های کالبدی	Spearman Correlation	۲۶۳/۸۱	۰/۰۰۲
کاربری‌های شهری	Spearman Correlation	۲۶۳/۸۱	۰/۰۰۲



شکل ۲ پارک آزادی و کاربری‌های پیرامون

از نظر پاسخ‌گویان، وجود کاربری‌های مذهبی و انتظامی بالاترین احساس امنیت را دارند و کاربری‌هایی با تقاضای متراکم مانند شهر بازی، بازارچه خوداشتغالی و کاربری تجاری با غلبهٔ ارائهٔ کالاهای مردانه، کمترین احساس امنیت را به همراه دارند. مجاورت با شبکهٔ معابر اصلی که رفت‌وآمد در آن‌ها همیشگی است، از دیگر عوامل مؤثر بر افزایش احساس امنیت زنان استفاده‌کننده از پارک آزادی است. بر مبنای نتایج پرسش‌نامه، بیشتر پاسخ‌دهندگان در زمان مراجعهٔ فردی (تنها) به پارک، ترجیح می‌دهند در بخش‌هایی از پارک حضور یابند که پیرامون کاربری‌های مذهبی و انتظامی واقع شده و یا در فضایی از پارک که از طریق بلوار اصلی مقابل پارک قابل رؤیت باشد. از دیدگاه آنان، مراجعه به همراه اعضای خانواده به‌ویژه والدین و همسر، علاوه بر ایجاد احساس امنیت در آنان، زمینه‌ساز بهره‌مندی از خدمات کاربری‌های مختلف در سطح و پیرامون پارک نیز می‌شود.

۶-۴. سنجش رابطه نحوه مجاورت مکانی در پارک و احساس امنیت زنان

نتایج تحقیقات انجام شده درباره کاهش جرم از طریق طراحی محیط نشان می‌دهد مکان‌هایی مانند معابر فاقد نور کافی، ساختمان‌های نیمه‌مخروبه و یا در حال ساخت بدون حفاظ و مکان خوابیدن بی‌سرپناهان- که زمینه‌ساز شکل‌گیری فضاهای غیرقابل دفاع هستند- بر میزان احساس امنیت ساکنان مجاور و کاربری‌های پیرامون نیز تأثیرگذارند و اغلب به کاهش احساس امنیت حاضران در فضا منجر می‌شوند (Schweitzer, Wookim & Mackin, 1999: 63).

در تحقیقات افراد مختلفی مانند جیکوبز، ویلسون و کیلینگ، کاربری زمین و ارتباط فضا با نوع کاربری مورد توجه قرار گرفته است. تنوع کاربری‌ها به ویژه در بخش‌هایی از شهر که باعث حضور جمعیت در ساعت‌های مختلف شب و روز می‌شود، مقدمات نظارت غیررسمی را فراهم می‌آورد؛ درحالی که در فضاهایی با کاربری یکنواخت که منحصر به حضور گروهی خاص در ساعت‌هایی معین است، موجب شکل‌گیری مکان خلوت و زمینه‌ساز حضور مجرمان و سرانجام ایجاد ناامنی می‌شود (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۶).

در بررسی پاسخ‌های پرسش‌نامه نیز مشخص شد که بخش‌هایی از پارک آزادی که در مجاورت کاربری‌های گوناگون است، از مطلوبیت بیشتری برخوردار است و بیش از ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند در زمان مراجعه فردی به پارک، از این بخش‌ها استفاده کنند. بخش شمال و غرب پارک که در مجاورت کاربری‌های مختلفی مانند تجاری، اداری، مذهبی و انتظامی هستند، به واسطه نور کافی، رفت و آمد مداوم، حضور عوامل انتظامی و واحدهای تجاری- که برخی از آن‌ها تا دیروقت فعال هستند مانند رستوران‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی- سبب ایجاد و افزایش احساس امنیت در این بخش‌ها می‌شود. آزمون آماری انجام شده نیز بیانگر رابطه معنادار آماری بین مجاورت مکانی از پارک، کاربری متنوع شهری و تدوام فعالیت کاربری‌های مجاور با میزان احساس امنیت است (جدول ۵).

جدول ۵ رابطه بین متغیر مجاورت مکانی در پارک و میزان احساس امنیت زنان

متغیر مستقل	ضریب	Correlation Coefficient	Sig
مجاورت با کاربری‌های متنوع	Spearman Correlation	-۰/۰۴۵۴	۰/۰۰۰
نور کافی، تردد مداوم و تدوام فعالیت کاربری‌های مجاور	Spearman Correlation	-۰/۰۵۲۹	۰/۰۰۰

۷. نتیجه‌گیری

فضاهای شهری به منظور فعالیت و رفتار ساکنان شهر شکل گرفته‌اند و در قالب دو گروه فضاهای عمومی و خصوصی از یکدیگر متمایز می‌شوند. فضای عمومی فضایی است برای حضور جمع و استفاده همگانی جمعیت ساکن شهر و در مواردی مراجعان از سایر نقاط داخل و خارج از کشور. پارک و فضای سبز نیز از فضاهای عمومی با کاربران زیاد است. عواملی مانند مساحت، مکان‌یابی مناسب، تأسیسات و امنیت از عوامل مؤثر بر کارآمدی این فضاها هستند. مطالعات متعدد انجام‌شده در این زمینه نیز نشان می‌دهند تأمین امنیت در پارک به عنوان فضای عمومی، به عوامل زیادی مانند کاربری‌های پیرامون، طراحی محیطی داخل پارک و نحوه دسترسی به آن وابسته است. زنان در مقام نیمی از ساکنان اجتماعات انسانی، تسهیلات خاصی را از فضا انتظار دارند که با خصوصیات جسمی و نیازهای عاطفی آنان در تناسب باشد و سبب تسهیل زندگی و فعالیت‌های روزمره آنان در اجتماع شود.

این پژوهش نیز با هدف نشان دادن میزان تحقق نیاز زنان از فضاهای عمومی شهری، میزان رضایتمندی آنان را در دستیابی به احساس امنیت در پارک آزادی بازکاوی کرده است؛ پارک آزادی بزرگ‌ترین پارک شهر شیراز است که پذیرای حجم عظیمی از ساکنان شهر و گردشگران شهر است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد احساس امنیت زنان از فضاهای عمومی متأثر از طراحی محیطی و مجاورت فضای عمومی با کاربری‌های گوناگون است.

ویژگی‌های شخصی زنان مصاحبه‌شونده مانند سن، سطح تحصیلات، مهاجرت و اشتغال با اینکه بر میزان ساعت‌های استفاده آن‌ها از پارک و نحوه حضور آن‌ها در آنجا مؤثر است، تأثیر معناداری بر احساس امنیت آنان ندارد. وجود کاربری‌هایی مثل مذهبی، انتظامی و کاربری‌های مرکب و پرجمعیت مانند کاربری‌های اداری و تجاری و معابر اصلی، بر افزایش احساس امنیت تأثیر معناداری دارند. برعکس، کاربری‌های یکنواختی که فقط در ساعت‌های خاص اداری دارای تراکم‌اند و سایر اوقات شبانه‌روز فاقد جریان جمعیتی قابل توجه‌اند، فضاهای غیرقابل دفاع به‌شمار می‌آیند که مانع حضور زنان در این بخش از پارک می‌شوند.

بنابراین، ضرورت تأمین نیازها و استانداردهای خاص زنان و بهره‌گیری از رویکردهایی مانند فضای قابل دفاع، پیشگیری از جرم به‌وسیله طراحی محیطی، انتخاب عقلانی و امنیت عمومی و سایر نظریات مرتبط - که در طراحی محیط‌ها و فضاهای عمومی در شهرها بتوانند

تأمین‌کننده این نیازها و استانداردها باشند- باید مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرند. در اینجا راهکارهایی به منظور افزایش احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی پیشنهاد می‌شود: توجه به مکان‌یابی و نحوه دسترسی، فراهم کردن سهولت نظارت شهروندان و مراجعان به پارک بر فضاهای درونی پارک، ایجاد مبلمان شهری مورد نیاز و تعمیر و نگهداری مبلمان موجود و افزایش امنیت اجتماعی از راه‌های مختلف، تقویت فضاهای فرهنگی و اجتماعی در پارک‌ها، تدوین آیین‌نامه‌های ملی در زمینه طراحی فضاهای عمومی به‌ویژه پارک‌ها.

پی‌نوشت‌ها

1. Wood
2. street barbarism
3. Dias

منابع

- آلمن، ایروین (۱۳۸۲). *محیط و رفتار اجتماعی*. ترجمه علی نمازیان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- احمدی، یعقوب و عطا اسماعیلی (۱۳۸۹). «سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چندبعدی و میان‌رشته‌ای در شهر مشهد». *جامعه‌شناسی کاربردی*. س ۲۱. ش ۲. صص ۱۶۹-۱۹۰.
- بدار، لوک و دیگران (۱۳۸۰). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه حمزه گنجی. تهران: ساوالان.
- بیات، بهرام (۱۳۸۷). *تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی*. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه اصفهان.
- بمانیان و دیگران (۱۳۸۸). «سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری در محدوده پیرامون پارک شهر تهران». *پژوهش زنان*. د ۷. ش ۳. صص ۴۹-۶۷.

- پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۷). «ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تاکید بر رویکرد C.P.T.E.D». ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی. ج ۱۹. ش ۶. صص ۷۳-۸۲.
- حسینی، حسین (۱۳۸۶). «مدیریت احساس امنیت در جامعه». فصلنامه امنیت. س ۶. ش ۱.
- رفیعیان و خدایی (۱۳۸۸). «بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری». مجله راهبرد. س ۱۸. ش ۵۳. صص ۲۲۷-۲۴۸.
- رفیعیان، مجتبی و دیگران (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری» در مجموعه مقالات پژوهش زنان. ص ۷۵. ش ۳.
- زنجان‌زاده اعزازی، هما (۱۳۸۰). «زنان و امنیت شهری». مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ش ۳۴. صص ۶۰۳-۶۲۶.
- ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا (۱۳۸۵). «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران». فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. س ۶. ش ۲۲.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: آوای نور.
- صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران». نامه علوم اجتماعی. س ۱۷. ش ۳۶. صص ۱۲۵-۱۵۵.
- طاهرخانی، حبیب‌الله (۱۳۸۱). «ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری». مجله مدیریت شهری. ش ۹.
- علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی (۱۳۸۶). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری». فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. س ۶. ش ۲۲. صص ۱۰۹-۱۳۱.
- غیاثوند، احمد (۱۳۸۷). کاربرد آمار و نرم‌افزار SPSS در تحلیل داده‌ها. تهران: لویه.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). «جرم خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر». فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. س ۶. ش ۲۲.
- Brenda, S. A. Yeoh & Pei Lin Yeow (1997). "Where women fear to tread: Images of danger and the effects of fear of crime in Singapore". *GeoJournal*. Vol. 43. No. 3. Pp. 273-286.

- Day, K., C. Stump & D. Carreon (2003). "Confrontation and loss of control: Masculinity and men's fear in public space". *Journal of Environmental Psychology*. Vol. 23. Pp. 311–322
- Dias, L. et al. (2007). "urban security and spatial behavior, syntactic and perceptual analysis of the central area of Porto Alegre". *6th international Space Syntax Symposium*. Istanbul.
- Garcia-Ramon, M. D, A. Ortiz & M. Prats (2004). "Urban planning, gender and the use of public space in a peripheral neighborhoods of Barcelona". *Cities*. Vol. 21. No. 3. Pp. 215–223.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Vintage Books.
- Reis, A. et al. (2003). "Accessibility and security Syntactic and perceptual analysis in two low income housing estates". *4th international Space Syntax Symposium*. London.
- Schweitzer, J., J. Woo Kim & J. Mackin (1999). "The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhoods". *Journal of Urban Technology*. Vol. 6. No. 3. Pp. 59–73.
- Tabrizia, R. L. & A. Madanipour (2006). "Crime and the City: Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran". *Habitat International*. Vol. 30. Issue 4. Pp. 932-944.

Women's and Safety in Public Urban Space: Case study AZADI Park, Shiraz.

Ali Goli *

Assistant professor of sociology and community planning department,
Shiraz University, Iran.

goli@shirazu.ac.ir

Safety is one of the main requirements of communities nowadays. Urban planner and designer have to distinguish unsafely factors in urban environment. They aims are increase the safety sense in urban space that uses by all people. Women's consistently express greater fears for their personal safety in urban environments than do men. They need special requirement in urban environment that increase their perception of safety in urban public space same as parks.

This study aims to survey women's perception of safety of public space in Shiraz city. The data is gathered through a questionnaire. The study space selected for the research is Azadi Park, one of the main parks of Shiraz city.

The result show that is directed relationship between women's sense of safety from land use, traffic and place neighborhood. It examines that rate of traffic, mix use of locations and places around the park and many space usages same as police office and station and religious place increase sense of safety. Persona factors (age, education, job and nation) hadn't relationship with sense of safety.

Keywords: Safety sense, public space, land use, women.